

دادرسی منصفانه در رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح (با تأکید بر نقش پلیس جمهوری اسلامی ایران)

مهدی وحدتی موسی پور^۱، بزرگعلی نوری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بی طرف و مستقل عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند و برخی دیگر از جمله اصل براءت، تفهیم اتهام ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. براین اساس توسعه عدالت کیفری در هر جامعه‌ای با دادرسی عادلانه در آن جامعه که مستلزم حق‌ها و آزادی‌های کنشگران فرایند کیفری است، ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی میزان دادرسی منصفانه در رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح می‌باشد که با روش اسنادی- کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. در ادامه برای جمع‌آوری داده‌ها و شواهد پژوهش حاضر از روش فیش‌برداری و کسب نظر اساتید دانشگاه و مقامات قضایی مشغول در امر قضا استفاده شده است که برای تجزیه و تحلیل آن‌ها از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده که نتایج نشان دهنده آن است؛ صلاحیت سازمان قضایی از لحاظ تشکیلات دادگاه‌ها و تجدیدنظر در آرا متحول شده و همچنین در قانون جدید رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح، با به‌کار بستن اصول دادرسی منصفانه از چالش‌های قوانین قبلی کاسته شده است.

واژگان کلیدی: دادرسی منصفانه، جرایم، نیروهای مسلح، پلیس

^۱ . کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج (نویسنده مسؤل) vahdati.mahdi1362@gmail.com

^۲ . کارشناسی ارشد علوم جنایی، دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

دولت‌ها به منظور برقراری امنیت اجتماعی و نگهبانی از نظم عمومی، نیروهای نظامی و انتظامی مسلح و متعهدی را آماده می‌کنند که آراسته به نظم و انضباط خاصی هستند؛ زیرا عقیده دارند نیروی منظم و منضبط هستند که می‌تواند از استقلال و امنیت ملی در برابر دولت‌های متجاوز دفاع کند و نظم داخلی جامعه را برقرار سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مأموریت پاسداری از تمامیت اراضی کشور و نگهبانی از انقلاب اسلامی و دست‌آوردهای آن و نظم عمومی را بر عهده نیروهای مسلح نهاده است. مأموریت و مسئولیت‌های خاص نیروهای مسلح موجب شده است تا از حقوق انضباطی خاصی پیروی کنند که با حقوق انضباطی و اداری دیگر بخش‌های اعمال حاکمیت دولت، تفاوت اساسی دارد. این حقوق انضباطی پادگانی، تابع قوانین و مقررات کیفری مخصوصی است که از آن به حقوق جزای نظامی تعبیر می‌شود. حقوق جزای نظامی شاخه‌ای از حقوق جزا است و موضوع آن مطالعه مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرم نظامی است هرچند قانون اساسی سازمان و تشکیلات قضایی رسیدگی کننده به جرم نظامی را بخشی از قوه قضائیه و مشمول اصول و قواعد مربوط به این قوه دانسته است، لیکن با تأسیس دادگاه‌های نظامی، صلاحیت دادرسی جرم نظامی را به دادگاه‌های نظامی اختصاص داده است و مرجع رسیدگی کننده به جرم نظامی را از مراجع قضایی صالح رسیدگی به جرم عمومی، جدا کرده است، علاوه بر قانون اساسی، قوانین و مقررات عادی نیز از نظر آیین دادرسی و رژیم مجازات قانونی و روابط بین‌الملل میان جرم نظامی و جرم عمومی تفاوت قائل شده است؛ زیرا نیاز به دادرسی فوری و سرعت عمل در تصمیم‌گیری و ادله اثباتی خاصی در برخی از

جرایم نظامی و لزوم شدت مجازات در مواقعی که یگان در درگیری مستقیم رزمی با دشمن قرار دارد و حفظ اسناد و اسرار نظامی و آمادگی دفاعی پیوسته و دائمی نیروها برای حراست از استقلال و امنیت کشور از جمله دلایل این تفاوت‌ها می‌باشد (اکبرپور، ۱۳۸۵).

امروزه، آیین دادرسی بیش از پیش حائز اهمیت گردیده است. بهترین و عادلانه‌ترین راه‌حل در یک دعوی از مسیر دادرسی مناسب و منصفانه با لحاظ تضمینات لازم برای طرفین دعوی، در دادگاهی مستقل و بی‌طرف حاصل می‌گردد. اعتبار دستگاه قضایی و دادگستری و اعتماد طرفین دعوی و عموم نسبت به آن نیز بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعاوی وجود خواهد داشت (یاوری، ۱۳۸۳).

فرآیند دادرسی نظامی از سیستم‌های فرعی فرآیند دادرسی در نظام حقوقی به شمار می‌رود. در نظام حکومتی ما در چارچوب اصل (۱۷۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تأمین بخشی از هدف‌های دادرسی در این نظام پیش‌بینی شده و در این راستا قوانین و مقرراتی تصویب شده که اصولاً باید همسویی کاملی با این هدف‌ها داشته باشد. هدف‌هایی مانند پاسداری از نظم و انضباط در نیروهای مسلح از رهگذر رسیدگی عادلانه به پرونده‌هایی در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح که در چارچوب اصول دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده در سایر اصول قانون اساسی مانند اصل بی‌طرفی و اصل استقلال قاضی قابل دستیابی هستند و با عنایت به این‌که قانون رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح به تازگی تصویب گردیده، مباحث پیرامون این قانون نیز جنبه جدید بودن و نوآوری را داشته و نگرشی متفاوت به موضوع فرآیند رسیدگی دارد و به تبیین مهم‌ترین تغییرات به‌وجود آمده و چالش‌های فراروی این قانون و بیان نقاط قوت و ضعف

و خلاءهای موجود پرداخته است، از طرفی با توجه به تخصصی بودن دادگاه‌های نظامی به چگونگی وضعیت رعایت دادرسی منصفانه در قبال طرفین دعوی از افراد نظامی و غیرنظامی و ترکیب قضات و تحولات ایجاد شده پیرامون دسترسی به یک رسیدگی بروز و کارآمد در قوانین کیفری پرداخته است از لحاظ زمانی نیز با عنایت به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲ و ایجاد تغییراتی در فرآیند دادرسی به جرایم نیروهای مسلح جنبه جدید بودن تحقیق نیز آشکار است (عظیم زاده، ۱۳۸۸).

بنابر آنچه گفته شد، حاکمان همه کشورها از دیرباز با تأسیس نهادها و سازمان‌های نظامی و انتظامی وظیفه خطیر پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی را به قوای نظامی و استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی را به قوای انتظامی محول کرده‌اند و در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر کشورها مطابق قانون اساسی وظیفه خطیر پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی به قوای نظامی کشور سپرده شده است و ادامه حیات جامعه و حفظ حیات نظامی و قوام حکومت در گرو اجرای صحیح و موفقیت‌آمیز این وظایف و مأموریت‌های حساس و مهم می‌باشد و ارتکاب اعمالی برخلاف وظایف محوله منجر به ایراد اخلال در نظم و امنیت جامعه و سبب ورود ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیر می‌شود (رضوی، ۱۳۸۶).

سازمان قضایی نیروهای مسلح تنها مرجع صلاحیت‌دار جهت رسیدگی قضایی به جرایم نیروهای مسلح اعم از وظیفه و پایور، ضمن برقراری تعامل متقابل با فرماندهان و مسؤولان نظامی و انتظامی سراسر کشور، سعی در کاهش نرخ جرایم ارتكابی توسط نظامیان و به تبع آن کاهش حجم پرونده‌های ارجاعی به دادسرای نظامی دارد. بی‌تردید مهم‌ترین ابزار و لازمه نیل به چنین هدف والایی، اتخاذ و

اجرای برنامه‌های پیشگیرانه است که در این راه نقش ارکان نظامی کشور غیرقابل انکار است. برای آن‌که بتوان اصول و مفاد برنامه‌های پیشگیری را با واقعیات آماری جرایم و تخلفات نظامی هم جهت نمود، لازم است در گام نخست اطلاعات آماری بسیار دقیق و طبقه‌بندی شده‌ای برحسب انواع جرم و یا هر معیار جرم شناسانه دیگر در اختیار داشت. اینجاست که می‌توان با بررسی و تحلیل سیر مراحل وقوع انواع جرایمی که در اماکن نظامی یا مرتبط با وظایف خاص نظامی - گری رخ می‌دهد، به تدوین برنامه‌ای جامع جهت پیشگیری و کاهش نرخ جرایم مزبور اقدام نمود (خالقی، ۱۳۹۲). هرچند چگونگی اجرای چنین برنامه‌های پیشگیرانه‌ای و بررسی تاثیرات آن جهت اصلاحات بعدی در جای خود از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین منظور، نمایندگان جامعه به هدف صیانت و پیشگیری از وقوع چنین افعال مجرمانه‌ای با حساسیت خاصی اقدام به وضع قوانین و مقررات می‌نمایند و مجریان این قوانین در نیروهای مسلح تحت عنوان ضابطین نظامی و در دستگاه قضایی تحت عنوان سازمان قضایی نیروهای مسلح با متخلفین از این‌گونه قوانین و مقررات برخورد می‌نمایند، از طرفی این قوانین بایستی همسو با محورهای توسعه، همه سونگر، برونگر (منطقه‌ای و جهانی) و به روز و کارآمد و متناسب با شاکله نیروهای مسلح و فلسفه وجودی آنها باشد، پر واضح است که فقدان یا ضعف یا ناکارآمدی و مندرس بودن این قوانین آفت‌های زیادی را متوجه حیات نظامی کشور خواهد نمود که وظیفه حساس و مهم نیروهای مسلح، حفظ اسرار و تسریع در رسیدگی به جرایم کارکنان این نیرو موجب شده است که در تمامی دنیا تشکیلات خاصی به جرایم آنها رسیدگی کند و در قانون اساسی کشور ما نیز بر اساس اصل ۱۷۲ سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان تنها محکمه اختصاصی که در قانون اساسی به آن اشاره شده به جرایم نیروهای مسلح رسیدگی

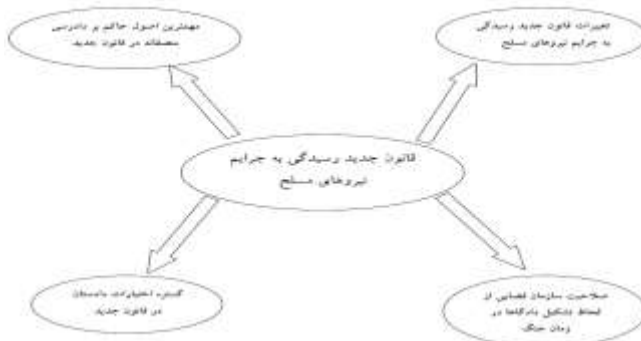
می‌نماید، در رابطه با آیین رسیدگی به این جرایم تاکنون قوانین مختلف و پراکنده- ای از جمله ق آ د ک مصوب ۱۲۹۰، قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۸، قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲، قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند که ویژگی اصلی تمامی این قوانین سرعت در رسیدگی و اینکه جرایم نظامی می- بایست در صلاحیت محاکم اختصاصی باشد بوده است و از الزامات حقوقی دیگر، از قبیل حقوق بشری، حقوق شهروندی، دادرسی منصفانه، تعیین اختیارات و وظایف دادستان و... تا حدود زیادی غافل بوده‌اند و درعین حال، دسترسی عموم به این قوانین نیز با دشواری بوده است، لذا به منظور ارزیابی قانون جدید آیین دادرسی کیفری و کیفیت سنجی آیین دادرسی نیروهای مسلح، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به تفاوت‌های فرآیند دادرسی نیروهای مسلح در قانون جدید (مصوب ۱۳۹۳/۷/۸) با قوانین قبلی خواهد بود.

لیکن پژوهشگران حوزه جرایم نیروهای مسلح نیز این مهم را درک کرده‌اند که شاهد این مدعا، پژوهش‌های است که با توجه به نظریه‌های این حوزه انجام پذیرفته‌اند که نمونه‌هایی از این تحقیقات عبارت‌اند از:

جان‌نثار (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «آیین رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح در پرتو اصول دادرسی منصفانه» اشاره نموده است که رعایت اصول دادرسی عادلانه از در جرایم نیروهای مسلح باید براساس مؤلفه‌های از قبیل تفهیم اتهام به متهم، علنی بودن دادرسی، اصل بی‌طرفی قاضی و ... انجام شود. یزدانیان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با هدف بررسی نوآوری‌های جدید قانون آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت موقت نیروهای مسلح: بیان می‌کند که اهمیت قرار بازداشت موقت

که آزادی افراد را مورد تعرض قرار می دهد و به طور کامل آن را سلب می کند، ارتباط مستقیمی با اصول مربوط به تضمین حقوق متهم در دادرسی عادلانه و منصفانه دارد. از جمله این نوآوری ها در این زمینه لغو موارد قرار بازداشت موقت الزامی، محدود نمودن جرایم مشمول صدور قرار بازداشت موقت، کاهش مدت بازداشت متهم و لزوم جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرضروری از جمله نوآوری ها و تحولات مثبت در این زمینه است. حسینی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم دادرسی عادلانه» انجام داده است. در این پژوهش، به این موضوع پرداخته شده است که دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی طرف و قابل پیش بینی در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است. زراعت، احمدی و انور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مبانی و آثار اصل حضوری بودن فرآیند دادرسی کیفری» اشاره نموده اند که با توجه به اینکه مراجع رسیدگی کیفری در موقعیت و جایگاه حساسی قرار دارند و همین موضوع، اهمیت فرایند دادرسی کیفری را دو چندان می کند، فرایندی است که برای دستیابی به حقیقت و عدالت واقعی، نیازمند رویارویی طرف های دعوی است. همین رویارویی، تضمین کننده اولیه بی طرفی است و بدون آن، تحقق عدالت واقعی امکان پذیر نیست. لازمه این امر خطیر، پیش بینی اصل حضوری بودن فرایند دادرسی کیفری و عمل به آن است که بر مبنای آن، باید هر یک از طرف های دعوی، قدرت پاسخگویی به طرف مقابل را داشته باشد. این اصل هم در اسناد فراملی و هم در مقررات داخلی منعکس شده است. با وجود چالش های فراروی این اصل، آثار و نتایج حاصل از اجرای آن، در جهت تضمین حقوق و منافع طرف های دعوی است، هر چند ممکن است آثار منفی محدودی هم داشته باشد ولی راهکار رفع این آثار

منفی هم وجود دارد و اصولاً دادرسی عادلانه و واقعی در پرتو عمل به آن، امکان- پذیر است. داودی سالستانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی راهکارهای اصولی پیشگیری از جرم نظامی» به بررسی و تحلیل سیر مراحل وقوع انواع جرایمی که در اماکن نظامی یا مرتبط با وظایف خاص نظامی گری رخ می‌دهد به تدوین برنامه جامع جهت پیشگیری و کاهش نرخ جرایم مزبور اقدام نموده است. مهری (۱۳۹۱) در پژوهشی با موضوع «تحلیل کیفر شناختی نظام ضمانت اجراهای کیفری در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح» به بررسی ضمانت اجراهای مشخص شده در قوانین که باید بتوانند اهداف مجازات‌ها را برآورده نمایند پرداخته و اشاره نموده است که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز مانند هر قانون دیگری در برخی از مواد اصول کیفرشناسی رعایت گردیده و در برخی مواد قانونی دیگر این اصل به فراموشی سپرده شده است و قانون‌گذار برخی تأسیسات حقوقی مانند جرایم علیه بشریت، آزادی مشروط و تعلیق کیفر را به طور روشنی در این قانون بیان نکرده است. بنابراین، پیشینه‌ها نشان داد که در پژوهش- های نامبرده بر به نقاط ضعیف و مثبت قانون مذکور پرداخته شده است، لیکن نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های قبلی توجه کردن به قانون دادرسی منصفانه در امر جرایم نیروهای مسلح از زوایای مختلف می‌باشد. براین اساس، این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این سؤال می‌باشد که دادرسی منصفانه در رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح در چه اندازه عادلانه می‌باشد؟



مدل سازمانی پژوهش

اهداف پژوهش

شناسایی میزان دادرسی منصفانه در رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح.

سؤال‌های پژوهش

۱. در قانون جدید رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح با به‌کار بستن اصول دادرسی منصفانه تا چه اندازه از چالش‌های قوانین قبلی کاسته شده است؟
۲. مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی در قانون جدید رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح کدامند؟
۳. صلاحیت سازمان قضایی از لحاظ تشکیلات دادگاه‌ها و تجدیدنظر در آرا تا چه اندازه متحول شده است؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش تحقیق کاربردی و از نوع اسنادی- کتابخانه‌ای استفاده شده است و در ادامه برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از ابزارهایی مانند؛ فیش‌برداری و کسب نظرات اساتید دانشگاهی و مقامات قضایی مشغول در امر قضا استفاده شده است، همچنین در ادامه برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روش توصیفی - تحلیلی بهره‌گرفته شده است.

یافته‌ها

در این بخش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی داده‌های به‌دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته می‌گیرد.

سؤال ۱) در قانون جدید رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح با به‌کار بستن اصول دادرسی منصفانه تا چه اندازه از چالش‌های قوانین قبلی کاسته شده است؟

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می‌شود. مقررات نظام دادرسی و سازمان قضایی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات و دگرگونی کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی‌نظمی و نابه‌هنجاری‌های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است، آن‌گونه که همگان در زمان حذف قانون دادرسی و قانون احیاء دادرسی شاهد بوده‌اند. قانون جدید هم برای یک دوره سه ساله آزمایشی مقرر شده و قابلیت اجرا خواهد یافت و امکان تغییر در آن نیز ممتنع نخواهد بود. قانون جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، برخوردار از جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجارب حرفه‌ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می‌تواند، موثر و نقش آفرین گردد. قانون آیین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آیین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال " اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم"، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه‌دیده، شاهد،

مطلع، وکیل و مانند آن‌ها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت‌ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به‌عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است. تغییر در صلاحیت نهاد دادستانی و بخش‌های تابعه، تدقیق شرح وظایف و اختیارات دادستان و بازپرس، تخصیص ضمانت‌های ناشی از مسئولیت انتظامی و قانونی آن‌ها، حذف عملی قضایی تحقیق و قضایی تحکیم و مسئولیت‌های رئیس حوزه قضایی و انتقال آن به دادستان و بازپرس، نظام‌مند کردن وظایف و مسئولیت‌های قانونی دادستان و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری، تقسیم‌بندی دادگاه‌های کیفری و تخصیص صلاحیت آن‌ها، تغییر در نظام صدور قرارهای تامین قانونی و تخصیص قرارهای نظارت قضایی، پیش‌بینی تشکیل دادرسی و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس اطفال، تخصیص حق ملاقات متهم با خانواده و وکیل خویش، پیش‌بینی حق جبران خسارت و ضرر و زیان مادی و معنوی، لزوم تشکیل پرونده‌های شخصیتی برای متهمان و نیز اطفال و نوجوانان متهم، پیش‌بینی نظام دادرسی کیفری الکترونیکی، تقویت نقش و جایگاه وکیل مدافع در حقوق متهم و تقویت دادرسی عادلانه و مانند آن‌ها و نیز تلاش برای منطبق ساختن نظام دادرسی کیفری با اصول نظام دادرسی عادلانه مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری مربوطه، در راستای "اصل احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشری" به‌عنوان یکی از قواعد شناخته شده در حقوق بین‌الملل (۲) و در نتیجه، پررنگ ساختن رویکرد حقوق بشری بدان و نیز گرایش به سیستم دادرسی و رسیدگی مختلط در عمل دارد.

سؤال ۲) مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی در قانون جدید رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح کدامند؟

یکی از نوآوری‌های مهم قانون جدید آیین دادرسی کیفری این است که اصول حاکم بر دادرسی کیفری را نظام‌مند کرده به طوری که این مهم در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین مواردی را پیش‌بینی کرده است.

از جمله این موارد می‌توان به افزودن اصل سرعت و قاطعیت به قانون جدید رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح اشاره کرد. این اصل در قوانین مصوب دوره‌های قبلی به صورت قابل توجهی مورد نظر قرار نگرفته است ولی در قانون جدید به صورت واضح و دقیق مورد نظر قرار گرفته است و باعث بهبود روند رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح شده است.

همچنین، می‌دانیم در هر کشوری که نیروهای نظامی وجود دارد برای رسیدگی به جرایم متناسب به نظامیان دادگاه‌های خاصی وجود داشته و دارد. چرا که تشکیلات و سازمانی عظیم نظامی که به وجود می‌آید به تناسب آن محاکم نظامی موجودیت می‌یابد. از طرفی یکی از دلایلی که وجود محاکم اختصاصی (نظامی) را برای نظامیان ضروری می‌نماید به شرح ذیل می‌باشد: تسریع در رسیدگی به جرایم نظامیان باعث می‌شود تا نظامیان در انجام وظایف محوله کوتاهی و سستی نشان ندهند، زیرا تأخیر در رسیدگی موجب بروز بی‌نظمی و ایجاد هرج و مرج می‌گردد و ایجاد هرج و مرج در نیروهای مسلح موجب به مخاطره افتادن امنیت داخلی و خارجی کشور می‌گردد. بنابراین، با توجه به اهمیت و حساسیت نیروهای مسلح و لزوم حفظ نظم و انضباط در نیروهای مسلح ضروری است که در رسیدگی به

جرایم سرعت و قاطعیت نشان داده شود تا از بروز بی‌نظمی و افزایش جرایم در نیروها بکاهد.

نیروهای مسلح در هر کشوری از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند، از جمله این که آنان دارای وظایف مهم و حساسی هستند و حفظ تمامیت ارضی و استقلال و امنیت کشور به عهده آنان است؛ چراکه امنیت کشور از اهمیت بالایی برخوردار است و همچنین اسرار مربوط به نیروهای مسلح باید حفظ شود و رسیدگی به جرایم آنان نیز سریع و قاطعانه صورت گیرد. از طرفی کسانی باید به جرایم آنان رسیدگی کنند که به اصول و قواعد و روابط حاکم در داخل نیروهای مسلح آشنایی کافی داشته باشند. لذا این ویژگی‌های خاص، قانونگذار را بر آن داشته تا مرجع خاصی را تحت عنوان «سازمان قضایی نیروهای مسلح» که متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است، برای رسیدگی به جرایم اعضای نیروهای مسلح پیش‌بینی کند.

طبق نتایج به دست آمده، دریافتیم که قانون مصوب سال ۱۳۹۲ همان‌طوری که به مأموریت‌ها و وظایف خاص نیروهای مسلح توجه خاصی شده است به ضرورت حفظ اسرار سازمان نظامی و انتظامی، ضرورت رسیدگی تخصصی به جرایم نیروهای مسلح و ضرورت رسیدگی دقیق توأم با قاطعیت و سرعت نیز توجه خاصی شده است و همچنین موارد ذکر شده از جمله فلسفه و اهداف تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح است. از طرفی در قانون جدید با توجه به مواد ذکر شده و اضافه شده به موارد قبلی به وضوح مشخص شده است که وظیفه سازمان قضایی نیز سرعت و قاطعیت در رسیدگی به جرایم، پیشگیری از وقوع جرم و حفظ اسرار نیروهای مسلح است.

بنابراین، در می‌یابیم که در دادرسی همچنان که دقت و کیفیت اجرای عدالت مهم است، سرعت در تحقق آن نیز اهمیت بسیاری دارد، به طوری که گاه تأخیر نامتعارف در حل اختلاف و صدور حکم، موجب می‌شود تا حکم بی‌ارزش شود و برای افراد جامعه ضررهای مادی و معنوی به وجود آید و وقتی رسیدگی به پرونده‌ای چند سال به طول بیانجامد؛ به طوری که قبل از صدور حکم توسط محکمه قضایی، پرونده از روال قانونی خود خارج شود و در آن صورت صدور چنین حکمی بی‌فایده است؛ چرا که موضوع دعوی مورد بحث منتفی شده است.

سؤال ۳) صلاحیت سازمان قضایی از لحاظ تشکیلات دادگاه‌ها و تجدیدنظر در آرا تا چه اندازه متحول شده است؟

توسعه صلاحیت محاکم نظامی با تعریف قانونی که از نیروهای مسلح گردید، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و تحولات انقلاب که قوانین کیفری هم‌گیزی از آن‌ها نداشتند و وجود خلاءهای قانونی نیز این توسعه‌ها را طلب می‌نمود و به علت ضرورت‌های موجود، این استیجازها تنها راه حل سریع معضلات حقوقی بوده است که مجریان قانون مجبور به انتخاب آن بوده‌اند.

در هر کشوری که نیروهای نظامی وجود دارد، برای رسیدگی به جرایم متناسب به نظامیان دادگاه‌های خاصی وجود داشته و دارد. چرا که تشکیلات و سازمانی عظیم نظامی که به وجود می‌آید به تناسب آن محاکم نظامی موجودیت می‌یابد. دلایلی که وجود محاکم اختصاصی (نظامی) را برای نظامیان ضروری می‌نماید به شرح ذیل می‌باشد:

الف- اصل تسریع در رسیدگی و شدت تسریع در رسیدگی به جرایم نظامیان که باعث می‌شود تا نظامیان در انجام وظایف محوله کوتاهی و سستی نشان ندهند، زیرا تأخیر در رسیدگی موجب بروز بی‌نظمی و ایجاد هرج و مرج می‌گردد و

ایجاد هرج و مرج در نیروهای مسلح موجب به مخاطره افتادن امنیت داخلی و خارجی کشور می گردد. بنابراین با توجه به اهمیت و حساسیت نیروهای مسلح و لزوم حفظ نظم و انضباط در نیروهای مسلح ضروری است که در رسیدگی به جرایم سرعت و قاطعیت نشان داده شود تا از بروز بی نظمی و افزایش جرایم در نیروها بکاهد.

ب- تفاوت جرایم: همان طوری که ذکر شد نیروهای مسلح تابع قواعد و مقررات خاصی بوده و افراد نظامی باید از این مقررات و نظامات خاص تبعیت نمایند که این مقررات با مقررات سازمان های اداری و غیرنظامی متفاوت است.

قانون آیین دادرسی کیفری در بخش مربوط به نیروهای مسلح، دو نوع دادرسی نظامی پیش بینی کرده است. نوع نخست دادرسی نظامی عادی (غیرزمان جنگ) و نوع دوم دادرسی نظامی در زمان جنگ است که مطابق ماده ۵۸۳ ق.آ.د.ک دادرسی نظامی زمان جنگ در معیت دادگاه های نظامی زمان جنگ تشکیل می شود و در صورت عدم تشکیل، دادرسی نظامی مرکز استان محل وقوع جرم، وظایف آن را انجام می دهد. حوزه قضایی این دادسرا نیز مطابق تبصره ۱ ماده ۵۹۰ ق.آ.د.ک حسب مقتضیات زمان جنگ، توسط رییس قوه قضاییه تعیین می شود.

با توجه به اینکه دادرسی نظامی در معیت دادگاه نظامی انجام وظیفه می کند، صلاحیت آن، همان صلاحیت دادگاه نظامی است و طبق ماده ۵۹۰ ق.آ.د.ک در زمان جنگ دادگاه های نظامی زمان جنگ با تصویب رییس قوه قضاییه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به جنگ با رعایت ماده ۵۹۱ این قانون در محل قرارگاه های عملیاتی، مراکز استان ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می شود. رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ، برکلیه شعب دادگاه ها و دادرسی نظامی زمان جنگ، نظارت و ریاست اداری دارد و در غیاب

وی ریاست اداری به‌عهده‌ی معاون وی و در غیاب آنان با دادستان نظامی زمان جنگ حوزه قضایی مربوط است. پس از انحلال دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادسرا و دادگاه‌های نظامی صالح برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود. دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با تصویب رئیس قوه قضاییه منحل می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس، نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول واحکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به‌نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که در انواع دعاوی، نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. شناسایی این اصول لازمه اجرای عدالت و اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون است و همچنین با اصل تفکیک قوا، استقلال قوه قضاییه و حاکمیت قانون ارتباط دارد. اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی کم و بیش از دیرباز در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است، اما در پی گسترش حقوق بشر و تأکید بر ارتقاء و تضمین انواع حقوق بشر، پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه به‌عنوان حق بشری مورد تأکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۱۱ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد گردیدند اجرای آن را تضمین نمایند. لذا دادرسی نظامی یکی از دادرسی‌های اختصاصی در نظام حقوقی ایران است که در مقایسه با سایر دادرسی‌های افتراقی از پیشینه و

سابقه بیشتری برخوردار است. حق دادرسی منصفانه یکی از حقوق بنیادین بشر است که در بسیاری از اسناد حقوق بشر به آن اشاره شده است. رعایت این حق، صحت و کارایی و سلامت سیستم قضایی و دادگستری یک کشور را تضمین می‌کند. زمانی که این حق مورد نقض قرار بگیرد، افراد بی‌گناه در معرض محکومیت و مجازات قرار می‌گیرند و دستگاه قضایی اعتبار خود را از دست می‌دهد. به نظر می‌رسد حق دسترسی به وکیل یک رکن اساسی برای برقراری محاکمه عادلانه است. حق دادرسی شامل چندین حق فرعی می‌باشد که از آن نشأت گرفته است. حقوقی را در زیر مجموعه حق دادرسی می‌گنجد، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود: الف- حقوق قبل از دادرسی، ب- حقوق در خلال دادرسی، با توجه به تازگی و نوپایی قانون جدید آیین دادرسی کیفری که دادرسی نیروهای مسلح نیز بخشی از آن است، قانون مزبور به رویکردهای نوینی از قبیل اصول دادرسی منصفانه وجنبه‌های مثبت و منفی این قانون اشاره دارد که در گذشته به آن اشاره نشده و همچنین تحولاتی که در این قانون ایجاد شده است که این تحولات در راستای سرعت بخشیدن به فرآیند دادرسی کیفری و از طرفی به بررسی میزان تغییر در اختیارات دادستان در مقایسه با قانون قبلی و بررسی اصول مهم در دادرسی کیفری و کاستی‌ها و ظرفیت‌های این قانون موردنظر قرار گرفته و با عنایت به اینکه هر قانون جدیدی علی‌الخصوص قانون موردنظر که به مدت ۳ سال به صورت آزمایشی اجرا خواهد شد، پس از تصویب، با گفتمان‌ها و تحقیقات علمی و نظری و به چالش کشیدن آن تقویت و استحکام یافته و عناصر زائد وجنبه‌های منفی آن پالایش می‌شود بنابراین ضروریست در این مقطع زمانی از هم اکنون در راستای بارور نمودن این قانون و تقویت جنبه منصفانه بودن رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح تحقیقات جامع و مفصلی صورت پذیرد تا خला‌های موجود

پر و گامی در جهت ارتقای کمی و کیفی مطالعات مربوط به آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح برداشته شود که در این راستا تعدادی پیشنهاد به قرار ذیل ارائه می‌گردد:

- دادستان در مقام عمل باید از قاطعیت و صلابت مقتضی برای ایفای این نقش برخوردار باشد و اقدام او ضمانت اجرای مناسبی در پی داشته باشد.
- به منظور جلوگیری از بی‌انضباطی و اعمال اقدامات خودسرانه به نام حفظ حقوق جامعه، باید حدود و ثغور ورود دادستانی به این مقوله مشخص شود.
- تدوین قانون و آیین‌نامه جهت عدم مواجهه با خلاء یا ابهام‌های قانونی
- ۴- اشخاصی که به‌عنوان دادستان انتخاب می‌شوند، باید از اشراف نسبت به مصادیق حقوق عامه برخوردار باشند تا بتوانند با اعمال به موقع و اقدام مناسب از عهده ایفای این نقش خطیر برآیند.
- به منظور ایجاد وحدت رویه، هماهنگی و همپوشانی باید مرکز ثقلی چون دادستانی کل کشور در مقام همگرایی و همسویی دادرها در سراسر کشور، سکاندار حرکت نظام دادرسی به سمت تضمین و حفظ حقوق عمومی برآید.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۹۰) آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- آشوری، محمد (۱۳۹۱) آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- توجیهی، عبدالعلی؛ قربانی قلجلو، مهدی (۱۳۹۰) مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۸(۴۵)، ۱۳-۱۷۳
- حسینی، محمد؛ عبداللهی، سامان؛ سفیدی، سپیده (۱۳۹۲) نقش ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد
- جاوید، محمد جواد (۱۳۸۷) نظریه نسبت در حقوق شهروندی تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی، تهران: نشر گرایش

- خالقی، علی(۱۳۹۲) آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات شهر دانش
- رضوی، محمد(۱۳۸۶) حقوق کیفری نیروهای مسلح، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناچا.
- زراعت، عباس(۱۳۸۸) آیین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، تهران: نشر دانش‌پذیر
- عظیم زاده، شادی(۱۳۸۸). کمک حافظه آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات دور اندیشان.
- یزدانیان، حسین(۱۳۸۸) دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: گرایش، ۱۳۸۸.
- یاوری، مجتبی(۱۳۸۳) حقوق جزای نظامی، تهران: نشر میثاق عدالت.
- کاظم‌زاده، علی(۱۳۷۹) ضابطین قوه قضاییه چه کسانی هستند، تهران: نشر مؤلف
- مهری، محمود(۱۳۸۶) شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تهران، نشر دادگستر.
- هاشمی، محمد(۱۳۸۲) حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی. مجله تحقیقات حقوقی، ۲۱(۳۸)، ۵۱-۱۲